نجات گروگان از اسارتگاه

چهار مرد که با تشکیل باندی، مرد جوان را برای ۱۱ روز ربوده بودند تا از خانواده‌اش اخاذی کنند، بازداشت شدند. سرهنگ اکبر نجفی، فرمانده انتظامی بم به فارس گفت: ۱۱ روز پیش پسر ۲۳ ساله توسط چهار مرد مسلح در مرکز استان کرمان ربوده شد که متهمان برای جلوگیری از شناسایی شدن به‌صورت مرتب مخفیگاه و محل نگهداری گروگان را در شهرستان‌های جنوبی و شرقی تغییر می‌دادند. سرانجام با تلاش‌های پلیس آگاهی شهرستان بم، محل نگهداری جوان ربوده شده شناسایی شد. وی افزود: ماموران با هماهنگی قضایی وارد مخفیگاه متهمان شدند و گروگان جوان را نجات دادند. او تحویل خانواده‌اش شد و چهار متهم به آدم‌ربایی که در آنجا بودند، برای ادامه تحقیقات به پلیس آگاهی منتقل شدند. ماموران به تحقیق از آدم‌رباها پرداختند که مشخص شد نقشه ربودن شاکی را از چندی پیش طراحی کرده و روز حادثه آن را به اجرا گذاشته‌اند و هدفشان از این آدم‌ربایی اخاذی از خانواده وی بوده است که در اجرای نقشه‌شان ناکام مانده‌اند.

پسر معتاد، به قتل ۲ مرد و یک پیرزن اعتراف کرده است

راز جنایت‌های سریالی در پرده قهوه‌ای

گروه حوادث

تیزهوشی بازپرس جنایی راز سومین قتل قاتل شیشه‌ای در پاتوق معتادان را فاش کرد. بازپرس با مشاهده پرده خانه قاتل، متوجه شد بخشی از پرده جدا شده را چند روز قبل در کنار جسد پیرزنی مشاهده کرده بود.

به گزارش خبرنگار جام جم، تحقیقات جنایی در این پرونده از ششم اسفند سال گذشته و به دنبال گزارش ناپدید شدن مرد میانسالی در دادسرای مشهد آغاز شد. همسر این مرد در شکایت خود به بازپرس گفت: همسرم خرید و فروش ضایعات می‌کند و پنج روز قبل سوار خودروی پرایدش شد و از خانه بیرون رفت و دیگر بازنگشت. سابقه داشت او شب به خانه نیاید، اما این بار غیبت او طولانی شد و احتمال می‌دهم بلایی سر او آمده است.

شروع تحقیقات

پس از این شکایت بازپرس دستور شناسایی خودروی مرد ناپدید شده را صادر کرد. ردیابی‌های پلیس ادامه داشت تا این‌که خودروی مرد ۵۷ ساله در شهر مهرگان کشف شد. تحقیقات نشان می‌داد، این خودرو از چند روز قبل در این محل پارک شده بود. این موضوع احتمال قتل راننده را مطرح کرد و ماموران به بررسی خانه‌های آن محله پرداختند. تجسس‌ها، ماموران را به خانه‌ای در آنجا کشاند که پاتوق معتادان بود.

در ادامه بازپرس میرزایی، قاضی کشیک قتل مشهد هم در خانه حاضر شد و با تحقیق از همسایه‌ها دریافت که از حدود یک هفته قبل کسی به این خانه رفت و آمد نداشته است. بازپرس سپس به بررسی خانه پرداخت و با منطقه‌ای رو به رو شد که به تازگی سیمان شده بود. این موضوع باعث شک او گردید و در ادامه با حفاری در آنجا جسد مرد ناپدید شده از دل خاک بیرون کشیده شد.

با کشف جسد، روند رسیدگی به پرونده وارد مرحله تازه‌ای شد. ماموران دریافتند که دوبرادر به نام‌های سعید و مسعود که هر دو معتاد هستند در این خانه سکونت داشتند. سعید حدود یک ماه قبل ناپدید شده و بعد از آن مسعود به محلی نامعلوم رفته بود. مشخصات دو برادر به عنوان مظنونان اصلی جنایت در اختیار پلیس سراسر کشور قرار گرفت تا به محض مشاهده آنها وارد عمل شده و دستگیرشان کنند.

دستگیری قاتل

تحقیقات ادامه داشت تا این‌که چهارم اردیبهشت امسال ماموران پلیس بندرعباس در پایانه مسافربری این شهر به مردی با ظاهر ژولیده مشکوک شده و او را برای تحقیقات به مقر پلیس منتقل کردند که مشخص شد مسعود نام دارد و از سوی پلیس مشهد به اتهام قتل تحت تعقیب است. مسعود تحت بازجویی قرار گرفت و به قتل مرد ضایعات جمع کن اعتراف کرد. مسعود در ادامه تحقیقات مدعی شد، برادرش به نام سعید را هم کشته است.

با اعتراف مرد معتاد به قتل دو نفر او تحویل پلیس مشهد شد تا تحقیقات از او ادامه پیدا کند. مسعود ۳۰ ساله پس از انتقال به دادسرا، مقابل بازپرس جنایی نشست و درباره انگیزه‌اش از قتل گفت: بعد از فوت پدرم با برادرم بر سر ارثیه اختلاف داشتیم. این اختلاف چند بار باعث درگیری ما شد. سرانجام اسفند سال گذشته در جریان درگیری بر سر تقسیم ارث، برادرم را با ضربه‌های مرگبار کشتم و جسدش را داخل چمدانی گذاشته و در حیاط خانه دفن کردم. بعد از قتل آثار جرم را از بین بردم و مدعی شدم او به سفر رفته است.

مرد جنایتکار درباره قتل مرد ضایعات جمع کن هم گفت: او دوست برادرم بود و هرازگاهی به خانه‌مان می‌آمد. بعد از قتل برادرم، او پیگیر ناپدید شدنش شده بود. این اواخر هم به من شک کرده بود. می‌ترسیدم شکایت کند و راز جنایت فاش شود. به همین خاطر تصمیم به قتل او گرفتم. یک روز که به خانه مخروبه آمده بود، او را کشتم و جسدش را دفن کردم. بعد هم از مشهد فرار کرده و به بندرعباس رفتم.

پس از اعترافات هولناک متهم، بازپرس و کارآگاهان راهی خانه مخروبه شده و با راهنمایی مسعود محل دفن جسد برادرش را پیدا کردند. با حفر زمین یک چمدان قدیمی نمایان شد که داخلش جسد سعید قرار داشت.

راز قتل پیرزن در پرده خانه

تیم جنایی در خانه قدیمی در حال تحقیق بودند که بازپرس متوجه پرده‌ای قهوه‌ای رنگ شد که از یکی از پنجره‌های اتاق آویزان بود. رنگ و نوع دوخت پرده باعث شک او شد، زیرا چند روز قبل جسد پیرزن معتادی در محله‌ای دیگر کشف شده بود که در میان پرده‌ای شبیه به این قرار داشت.

بازپرس به اتاق مورد نظر رفت و در بررسی آنجا دریافت این اتاق دو پرده داشته که یکی از آنها سرجایش نبود. با افشای این موضوع احتمال قتل پیرزن به دست مسعود مطرح شد. پسر جوان تحت بازجویی قرار گرفت و پس از روبه‌رو شدن دلایل قضایی، لب به اعتراف گشود و به قتل پیرزن معتاد هم اعتراف کرد.

پسر شیشه‌ای درباره انگیزه قتل پیرزن هم گفت: زن ناشناس یک‌بار به خانه‌مان آمد و از خماری به خودش می‌پیچید و ناله می‌کرد. من هم از آه و ناله‌هایش خسته شده و دست و پا و دهانش را بستم. چند دقیقه بعد متوجه مرگش شدم. جسدش را داخل پرده گذاشته و از خانه خارج کردم.

بازپرس جنایی مشهد درباره آخرین روند این پرونده به جام جم گفت: متهم به قتل تاکنون به سه جنایت اعتراف کرده و جسد قربانیان هم کشف شده است. تحقیقات از او درباره احتمال قتل‌های دیگر ادامه دارد.

میرزائی ادامه داد: متهم به قتل صراحتا به قتل‌ها اعتراف کرده اما به زودی صحنه قتل‌ها را بازسازی می‌کند تا با تکمیل تحقیقات در دادگاه کیفری یک محاکمه شود.

قاتل خونسرد تاکنون به کشتن ۲ مرد و پیرزنی اعتراف کرده که تحقیقات پلیسی در رابطه با قتل‌های احتمالی دیگر توسط مرد جنایتکار ادامه دارد

۱۵ سال بلاتکلیفی به‌خاطر قتل همسر

مردی که ۱۵ سال قبل همسرش را در حمام خانه‌شان کشته و به خاطر ناتوانی اولیای دم در پرداخت تفاضل دیه در زندان مانده بود دیروز از قضات دادگاه کمک خواست و درخواست آزادی‌اش را مطرح کرد.

به گزارش خبرنگار جام جم، ۲ خرداد ۸۳، مرد ۴۰ ساله‌ای به نام بهمن به کلانتری ۲۴ کمالشهر کرج رفت و از قتل همسرش خبر داد. پلیس بلافاصله به خانه این مرد رفت و با جسد خونین شهلا ۳۵ ساله روبه‌رو شد. جسد زن جوان با ضربه‌های متعدد چاقو از پا درآمده بود. متهم به قتل در تحقیقات گفت: از همان ابتدای زندگی مشترک با زنم اختلاف داشتم. به دنیا آمدن فرزندان‌مان هم اختلاف‌های ما را کمتر نکرد. تا این‌که همسرم پیشنهاد جدایی را مطرح کرد، اما من قبول نمی‌کردم که توافقی از هم جدا شویم. صبح دوم خرداد بار دیگر با هم درگیر شدیم که او فحاشی کرد و من که کنترل اعصابم را از دست داده بودم با چاقو به جان زنم افتادم.

به‌دنبال اعتراف‌های این مرد و بازسازی صحنه جرم، کیفرخواست صادر و به شعبه ۷۱ دادگاه کیفری سابق استان تهران فرستاده شد.

در جلسه دادگاه پدر و مادر قربانی در جایگاه ویژه ایستادند و برای دامادشان حکم قصاص خواستند. وقتی بهمن پشت تریبون دفاع ایستاد خودش را به دیوانگی زد و به سوالات هیات قضایی پاسخ نداد.

با گذشت ده سال از جنایت خانوادگی و در حالی که پزشکی قانونی اعلام کرده بود گرچه بهمن به اختلال شخصیت مبتلاست اما جنون ندارد، وی بار دیگر پای میز محاکمه ایستاد. در آن جلسه پسر بزرگ مقتول گفت: «من حاضر به قصاص پدرم نیستم. به همین خاطر از خون مادرم گذشت می‌کنم و رضایت می‌دهم. پدرم به‌خاطر اختلاف‌های قدیمی مادرم را کشت. او حالا چند سال در زندان است و به نظرم به اندازه کافی تنبیه شده است..»

در ادامه دادگاه پدر و مادر شهلا برخلاف درخواست نوه‌شان به صدور حکم قصاص اصرار کردند.

در پایان آن جلسه، قضات بهمن را به قصاص محکوم کردند. حکم صادره به دیوان عالی کشور فرستاده شده بود که پدر و مادر شهلا به‌خاطر کهولت سن فوت شدند و خواهرو برادرهای شهلا که ولی‌دم جدید محسوب می‌شدند درخواست قصاص را مطرح کردند. با این درخواست بهمن بار دیگر از خود دفاع کرد و به قصاص با پرداخت تفاضل دیه از سوی اولیای دم محکوم شد، ولی چون اولیای‌دم توان پرداخت تفاضل دیه را نداشتند پیگیر پرونده نشدند و بهمن ۱۵ سال در زندان ماند.

وی که حالا ۵۵ سال دارد طی نامه‌ای از قضات دادگاه کمک خواست و درخواست کرد طبق ماده ۴۲۹ قانون مجازات اسلامی تکلیفش روشن شود.

وی دیروز در شعبه دوم دادگاه کیفری یک استان تهران حاضر شد و به قضات گفت: باور کنید من عاشق زنم بودم و نمی‌خواستم از او جدا شوم. قبول دارم اعتیاد داشتم و به همین خاطر گاهی اوقات با شهلا بدرفتاری می‌کردم، اما هرگز نمی‌خواستم او را بکشم. آخرین بار وقتی با هم دعوا کردیم شهلا به خانه دامادمان رفت و در آنجا ماند. اما دامادمان واسطه شد و همسرم را به خانه برگرداند. آن شب بار دیگر با هم بحث کردیم که فرزندان‌مان ما را از هم جدا کردند. صبح روز بعد وقتی بچه‌ها در خانه نبودند همسرم گفت دیگر نمی‌خواهد با من زندگی کند و درخواست طلاق داده است. او از من خواست تا دوستانه به دادگاه برویم و توافقی از هم جدا شویم که عصبانی شدم. او فحاشی کرد و من که کنترل اعصابم را از دست داده بودم به او حمله کردم. همسرم به حمام رفته بود که با چاقوی آشپزخانه به سراغش رفتم و او را کشتم.

این متهم گفت: من ۱۵ سال است که در زندانم. در این مدت شرایط سختی را گذرانده‌ام و به‌خاطر پیگیری نکردن اولیای‌دم بلاتکلیف مانده‌ام. حالا تقاضا دارم با حکم آزادی من موافقت کنید.

در پایان قضات وارد شور شدند تا رای صادر کنند.

قتل ۲ برادرزاده با انگیزه ناموسی

عموی خشمگین دو برادرزاده‌اش را در یکی از روستاهای آبادان کشت. قاتل هنگام ترک خانه با چاقوی خونین دستگیر شد.

به گزارش خبرنگار جام جم، رسیدگی به پرونده از شامگاه دوشنبه، ۲۷ خرداد و به دنبال گزارش جنایتی هولناک در روستای تنگه یک بخش مرکزی آبادان در دستور کار پلیس قرار گرفت. بلافاصله تیمی از ماموران با تماس یکی از معتمدان روستا راهی آنجا شده و با مرد ۳۹ ساله‌ای روبه‌رو شدند که چاقو به دست در حال خروج از خانه بود. مرد جوان دستگیر شد و در همان لحظات اول به قتل دو برادرزاده‌اش اعتراف کرد.

ماموران وارد خانه روستایی شده و با جسد دختر ۱۶ ساله‌ای روبه‌رو شدند که با روسری خفه شده بود. در کنار او نیز جسد غرق به خون زن ۲۷ ساله‌ای افتاده بود. دومین قربانی با ضربه‌های چاقو به قتل رسیده بود.

دیگر اعضای خانواده هم در اتاقی زندانی شده بودند که ماموران در را باز کردند. تحقیقات از آنها نشان داد قاتل قبل از کشتن دو برادرزاده‌اش، دیگر اعضای خانواده را در اتاق زندانی کرده بود.

متهم تحت بازجویی قرار گرفت و در تحقیقات ابتدایی گفت: مقتولان، فرزندان دو برادرم هستند. دختر ۱۶ ساله به خاطر اختلافاتی که با نامادری‌اش داشت، خانه‌شان در شیراز را ترک کرد و به خانه من آمد. برادرزاده دیگرم نیز بعد از فوت پدرش و جدایی از همسرش به خانه‌ام آمد. امروز به خاطر مسائل ناموسی و خانوادگی با آنها درگیر شده و هر دو را کشتم.

سرهنگ محسن تقی‌زاده، فرمانده انتظامی آبادان در این باره به خبرنگاران گفت: قاتل در بازجویی انگیزه خود از این جنایت را مسائل ناموسی و خانوادگی عنوان کرد. جسد هر دو مقتول به سردخانه منتقل و قاتل برای سیر مراحل قانونی تحویل پلیس جنایی شده است.

مرد خشمگین برادرزاده کوچکش را خفه کرد و سپس با چاقو به جان برادرزاده بزرگ‌ترش افتاد

زنگ تلفن همراه، دزدان میلیاردی را گرفتار کرد

صدای زنگ تلفن همراه دزدان خانه تاجر ایرانی، سارقان را گرفتار کرد. دزدان با نقشه برادرزاده شاکی وارد خانه شده بودند تا دلارهای تاجر مقیم کانادا را سرقت کنند.

به گزارش خبرنگار جنایی جام جم، چندی پیش مردی با پلیس تهران تماس گرفت و از دستگیری سارق ۱۸ ساله خانه‌اش در یکی از محله‌های شمال تهران خبر داد. در ادامه تیمی از ماموران در محل حاضر شده و تحقیقات درباره این سرقت را آغاز کردند.

شاکی که در جریان درگیری با سارق مجروح شده بود به ماموران گفت: تاجر و مقیم کانادا هستم. چند روز پیش ویلایی را که در تهران داشتم، فروختم و در خانه دیگرم زندگی می‌کردم. با پول میلیاردی فروش خانه دلار خریده و در گاوصندوق گذاشته بودم. شب خواب بودم که با شنیدن صدای زنگ تلفن همراهی بیدار شده و رد صدا را گرفته و به حمام خانه رسیدم. در حمام با دو سارق روبه‌رو شدم که یکی از آنها مرا مجروح کرد و گریخت اما سد راه سارق دوم شدم.

در ادامه متهم دستگیر شده تحت بازجویی قرار گرفت و گفت: جوان فراری دوستم بود. ما در پیک موتوری کار می‌کردیم و شب‌ها در قهوه‌خانه می‌ماندیم. چند هفته پیش در قهوه‌خانه با مردی ملاقات کردیم که می‌گفت عمویش ملکی داشته و با آن دلار خریده است. او پیشنهاد کرد اگر دلارها را سرقت کنیم پول خوبی به ما می‌دهد. شب سرقت سه نفری مقابل خانه مرد تاجر رفتیم. برادرزاده‌اش در خیابان ماند و ما وارد شدیم. در همین موقع برادرزاده شاکی با تلفن همراهم تماس گرفت و مرد صاحبخانه با شنیدن صدای زنگ تلفن همراه بیدار شد. از ترس در حمام مخفی شدیم که ماجرا لو رفت و من دستگیر شدم.

با اعتراف وی، دو همدستش نیز در مخفیگاهایشان شناسایی و بازداشت شدند. طراح این سرقت گفت: عمویم با فروش خانه‌اش پول زیادی به‌دست آورده و آن را به دلار تبدیل کرده بود. وسوسه سرقت پول‌ها باعث شد با دو مرد جوان صحبت کنم تا نقشه را اجرا کنند. قرار بود صدای زنگ تلفن خود را خاموش کنند اما فراموش کرده بودند و ماجرا لو رفت.

برای متهمان قرار قانونی صادر شد و تحقیقات تکمیلی از آنها ادامه دارد.

تلنگر

مرگ تلخ کودک ۲ ساله در لوله آب

کودک دو ساله با گرفتار شدن در لوله آب کشاورزی دچار حادثه شد و فوت کرد.

سردار عبدالرضا ناظری، فرمانده انتظامی شرق استان تهران در این باره به جام جم گفت: فردی با پلیس تماس گرفت و اعلام کرد کودک دو ساله‌ای در لوله آب کشاورزی در منطقه «دشت‌مزار» شهرستان دماوند افتاده و فوت شده است. ماموران برای بررسی موضوع در محل حاضر شدند. تحقیقات اولیه آنها نشان می‌داد این کودک به دور از چشم والدینش مشغول بازی بوده که در یک لحظه بر اثر فشار آب کشاورزی به داخل لوله سیمانی کشیده و همان‌جا گیر افتاده و به‌دلیل خفگی آنجا فوت شده است. بعد از قطع جریان آب، والدینش جسد فرزندشان را که داخل لوله سیمانی بود، کشف کردند.

ربودن مرد طلافروش برای اخاذی ۱۰ میلیاردی

سه مرد با ربودن طلافروش میانسال قصد اخاذی ده میلیاردی از او را داشتند که بعد از چهار روز از ترس دستگیری، او را در کنار خیابان رهاکردند.

به گزارش خبرنگار جنایی جام جم، روزهای پایانی هفته گذشته خانواده‌ای با حضور در پلیس آگاهی تهران از ربوده شدن پدر طلافروش خانواده خبر دادند.

شاکی به افسر تحقیق گفت: پدرم در قیطریه زندگی می‌کند و مغازه طلافروشی دارد. ساعت ۲۱ و ۳۰ دقیقه با تعطیل کردن مغازه با آژانس به سمت خانه آمد. چند دقیقه بعد متوجه سر و صدای مردی در مقابل خانه‌مان شدم. وقتی بیرون آمدم از صحبت‌های او متوجه شدم، پدرم مسافرش بوده و سرنشینان یک دستگاه پژو ۴۰۵ در پوشش مامور، پدرم را ربوده‌اند. حدود پنج ساعت بعد مردی زنگ زد و برای آزادی پدرم درخواست ده میلیارد تومان کرد. او تهدید کرد اگر پول را آماده نکنیم، اول انگشت پدرم را قطع می‌کند و بعد او را به قتل می‌رساند.

با شروع تحقیقات پلیسی، ۵۰ مظنون دستگیر شدند که ۴۷ نفر از آنها آزاد شده و سه نفر شامل یک زن که مشتری طلافروش بود و یک مرد و یک مرد وکیل که با او اختلاف و معامله‌هایی داشتند به‌عنوان مهم‌ترین مظنونان در بازداشت ماندند. چهار روز بعد از ربودن مرد طلافروش، پیکر نیمه‌جان او در میدان نماز اسلامشهر پیدا و به بیمارستان منتقل شد.

مرد گروگان بعد از بهبود حالش در تحقیقات گفت: آدم‌ربایان در این مدت مرا در خانه‌ای نگهداری کرده و چشمانم را بسته بودند. چند بار کتکم زده و تهدید می‌کردند اگر خانواده‌ام پول ندهند مرا می‌کشند. بعد هم پیکر نیمه‌جانم را در کنار خیابان رها کردند.

تحقیقات پلیسی از سه مظنون پرونده و احتمال دست داشتن آنها در این ماجرا ادامه دارد.

آن‌سوی مرز

ناپدید شدن شعبده‌باز هندی در رودخانه

شعبده باز هندی که قصد اجرای یکی از حقه‌های هری هودینی، شعبده‌باز معروف را داشت و با دست و پای بسته شده درون رودخانه فرو رفته بود، ناپدید شد.

به گزارش ایسنا، قرار بود که چانچال لاهیری، دست و پایش را زیر آب باز کند و شناکنان به روی آب بیاید اما اثری از او در رودخانه هوگلی در ایالت بنگال غربی دیده نشد. لاهیری در حالی‌که دست و پایش با شش قفل و یک زنجیر بسته شده بود، داخل آب شد و تماشاچیان در دو قایق دیگر شاهد نمایش او بودند. تعداد زیادی از افراد هم در ساحل و در اطراف رودخانه جمع شده بودند و گروهی هم روی پل تاریخی هواره به تماشا ایستاده بودند. پلیس و یک تیم از غواصان همه منطقه را جست‌وجو کردند اما نتوانستند شعبده باز را پیدا کنند. یکی از ماموران پلیس به روزنامه «هندوستان تایمز» گفت تا وقتی که جسد لاهیری پیدا نشود، نمی‌توان مرگ او را رسما اعلام کرد.